

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Comparative Study of Tax Laws Based on the Theories of Adam Smith and Seyyed Jamaluddin Asadabadi

Maryam Farahani¹, Peyman Sharifi*¹

1. Department of Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

* Corresponding Author's Email: pey_sharifi23@gmail.com

ABSTRACT

This article conducts a comparative study of Iran's tax laws based on the theories of Adam Smith and Seyyed Jamaluddin Asadabadi. Adam Smith, as the founder of modern economics, proposed principles such as justice, certainty, proportionality, and economic efficiency in taxation, which are still used in modern tax system designs. Conversely, Seyyed Jamaluddin Asadabadi, with an emphasis on social justice and equitable wealth distribution, offered unique perspectives on taxation. This article examines the history and evolution of tax laws in Iran and compares them with the theoretical principles of Smith and Asadabadi to analyze the strengths and weaknesses of Iran's tax system. The findings indicate that while principles of justice and transparency have been largely implemented in Iran's tax system, complexity, excessive bureaucracy, and pressure on lower-income groups remain major weaknesses. Finally, the article provides recommendations for improving Iran's tax laws based on the theories of Adam Smith and Seyyed Jamaluddin Asadabadi. These recommendations include simplifying tax laws, strengthening oversight and enforcement, adjusting taxes based on payment ability, increasing transparency, and leveraging international experiences.

Keywords: *Adam Smith, Seyyed Jamaluddin Asadabadi, tax laws, tax justice, tax transparency, equitable wealth distribution, Iran.*

How to cite: Farahani, M., & Sharifi, P. (2023). Comparative Study of Tax Laws Based on the Theories of Adam Smith and Seyyed Jamaluddin Asadabadi. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(2), 11-22.



تاریخ ارسال: ۱۰ آبان ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۲۴ آذر ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۹ دی ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۲۵ دی ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

بررسی تطبیقی قوانین مالیاتی با استناد به نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی

مریم فراهانی^۱، پیمان شریفی^{۱*}

۱. گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: pey_sharifi23@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی قوانین مالیاتی ایران با استناد به نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی می‌پردازد. آدام اسمیت، به عنوان بنیان‌گذار علم اقتصاد مدرن، اصولی همچون عدالت، قطعیت، تناسب و اقتصادی بودن مالیات را مطرح کرده است که هنوز در طراحی سیستم‌های مالیاتی مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، سید جمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت، دیدگاه‌های منحصر به فردی درباره مالیات ارائه داده است. در این مقاله، با بررسی تاریخیچه و تکامل قوانین مالیاتی در ایران و مقایسه آن‌ها با اصول نظریات اسمیت و اسدآبادی، نقاط قوت و ضعف سیستم مالیاتی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که هرچند اصول عدالت و شفافیت تا حد زیادی در سیستم مالیاتی ایران پیاده‌سازی شده است، اما پیچیدگی و بوروکراسی زیاد و فشار بر طبقات پایین جامعه همچنان از نقاط ضعف عمده این سیستم هستند. در پایان، پیشنهاداتی برای بهبود قوانین مالیاتی ایران بر اساس نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی ارائه می‌شود. این پیشنهادات شامل ساده‌سازی قوانین مالیاتی، تقویت نظارت و اجرای قوانین، تعدیل مالیات‌ها بر اساس توانایی پرداخت، افزایش شفافیت و استفاده از تجربیات بین‌المللی است.

کلیدواژه‌گان: آدام اسمیت، سید جمال‌الدین اسدآبادی، قوانین مالیاتی، عدالت مالیاتی، شفافیت مالیاتی، توزیع عادلانه ثروت، ایران.

نحوه استناددهی: فراهانی، مریم، و شریفی، پیمان. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی قوانین مالیاتی با استناد به نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، (۲) ۱۱-۲۲.



- تطبیق نظریات این دو اندیشمند با قوانین مالیاتی ایران.

- ارائه پیشنهاداتی برای بهبود قوانین مالیاتی بر اساس یافته‌های پژوهش.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. منابع اصلی مورد استفاده در این پژوهش شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و منابع اینترنتی معتبر بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش‌های مقایسه‌ای و تطبیقی استفاده شد. همچنین، از مطالعات موردی کشورهای منتخب برای بررسی و ارزیابی قوانین مالیاتی و تطبیق آن‌ها با نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی استفاده شد.

مبانی نظری

مروری بر نظریات آدام اسمیت

اصول اقتصادی آدام اسمیت

آدام اسمیت، اقتصاددان برجسته اسکاتلندی، به عنوان پدر علم اقتصاد مدرن شناخته می‌شود. در کتاب معروف خود "ثروت ملل" (The Wealth of Nations)، او اصول اساسی اقتصاد را که شامل تقسیم کار، مزیت نسبی، و دست نامرئی بازار است، معرفی کرد. اسمیت معتقد بود که تقسیم کار می‌تواند بهره‌وری را به طرز چشمگیری افزایش دهد زیرا افراد می‌توانند در وظایف خاصی تخصص یابند و کارایی بیشتری از خود نشان دهند (Bagnai & Ospina, 2017).

یکی دیگر از اصول مهم اقتصادی آدام اسمیت، مفهوم دست نامرئی است. او بر این باور بود که در یک بازار آزاد، افراد با دنبال کردن منافع شخصی خود، به طور ناخواسته به بهبود رفاه کلی جامعه کمک می‌کنند. این ایده که بازارها به طور خودکار به سوی تعادل

مقدمه

قوانین مالیاتی یکی از ارکان اساسی سیستم‌های اقتصادی هر کشوری هستند. این قوانین نقش بسزایی در توزیع منابع، تامین مالی دولت و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کنند. نظریات اقتصادی مختلفی درباره مالیات وجود دارد که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی اشاره کرد. این دو نظریه‌پرداز با توجه به شرایط زمان و مکان خود، دیدگاه‌های منحصر به فردی درباره مالیات و نقش آن در اقتصاد ارائه داده‌اند. بررسی تطبیقی قوانین مالیاتی با استناد به این نظریات می‌تواند به درک بهتر نقاط قوت و ضعف سیستم‌های مالیاتی معاصر کمک کند (Auerbach & Poterba, 1987; Gluckman & Turner, 2018; Iollari & Kripa, 2016; Johan, 2019; Kussainova et al., 2022; Maryano, 2023).

بررسی تطبیقی قوانین مالیاتی با استفاده از نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی اهمیت ویژه‌ای دارد. از یک سو، آدام اسمیت به عنوان یکی از بنیان‌گذاران علم اقتصاد مدرن، اصولی را برای سیستم‌های مالیاتی مطرح کرده است که همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، سید جمال‌الدین اسدآبادی با توجه به زمینه‌های فرهنگی و مذهبی خاص خود، دیدگاه‌های متفاوتی درباره عدالت و اقتصاد ارائه داده است. این پژوهش می‌تواند به تحلیل و ارزیابی بهتر سیستم‌های مالیاتی در کشورهای مختلف و به‌ویژه در ایران کمک کند (Gluckman & Turner, 2018; Iollari & Kripa, 2016).

هدف اصلی این پژوهش بررسی و مقایسه قوانین مالیاتی با استناد به نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی است. اهداف جزئی‌تر این پژوهش عبارتند از:

- تحلیل اصول اقتصادی و مالیاتی آدام اسمیت.
- بررسی دیدگاه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی درباره مالیات.

و کارایی حرکت می‌کنند، پایه‌گذار نظریات اقتصادی کلاسیک شد و کارایی حرکت می‌کنند، پایه‌گذار نظریات اقتصادی کلاسیک شد (Bagnai & Ospina, 2017).

نظریات آدام اسمیت در مورد مالیات

آدام اسمیت در زمینه مالیات نیز نظریات مهمی ارائه داده است. او چهار اصل اساسی برای سیستم مالیاتی پیشنهاد داد که به چهار قاعده اسمیت معروف است:

اصل عدالت: افراد باید به نسبت توانایی پرداخت خود مالیات بپردازند. این به معنای پرداخت مالیات بر اساس درآمد و دارایی است (Bagnai & Ospina, 2017).

اصل قطعیت: مقدار، زمان و نحوه پرداخت مالیات باید برای مودیان مشخص و معلوم باشد. ابهام در این موارد می‌تواند به فساد و سوءاستفاده منجر شود (Bagnai & Ospina, 2017).

اصل تناسب: مالیات‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که حداقل هزینه اضافی برای مودیان و جامعه داشته باشند. به عبارت دیگر، هزینه جمع‌آوری مالیات نباید بیش از حد بالا باشد (Bagnai & Ospina, 2017).

اصل اقتصادی: سیستم مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که کمترین تأثیر منفی را بر فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد و انگیزه‌های اقتصادی افراد را مختل نکند (Bagnai & Ospina, 2017).

این اصول همچنان به عنوان مبنای طراحی سیستم‌های مالیاتی مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرند و بر اهمیت عدالت، شفافیت، کارایی و اقتصاد در نظام‌های مالیاتی تأکید دارند.

مروری بر نظریات سید جمال‌الدین اسدآبادی

اصول فکری سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید جمال‌الدین اسدآبادی، معروف به سید جمال، یکی از بزرگترین متفکران و مصلحان اسلامی قرن نوزدهم میلادی بود. او با تأکید بر احیای فکر اسلامی و بازگشت به اصول اولیه اسلام، تلاش کرد تا جوامع اسلامی را از عقب‌ماندگی و استعمار خارج کند (Muhammad, 2023). سید جمال‌الدین معتقد بود که

برای رسیدن به توسعه و پیشرفت، جوامع اسلامی باید به علم و دانش توجه ویژه‌ای داشته باشند و همزمان با حفظ هویت اسلامی خود، از دستاوردهای علمی و فنی غرب بهره‌برداری کنند (Muhammad, 2023).

یکی دیگر از اصول فکری سید جمال‌الدین، تأکید بر عدالت اجتماعی بود. او بر این باور بود که اسلام دین عدالت است و همه افراد جامعه باید از حقوق برابر برخوردار باشند. سید جمال‌الدین به شدت با ظلم و فساد مخالفت می‌کرد و اصلاحات اجتماعی و سیاسی را برای تحقق عدالت ضروری می‌دانست (Muhammad, 2023).

دیدگاه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی در مورد مالیات

دیدگاه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی در مورد مالیات، به شدت تحت تأثیر اصول اسلامی و عدالت اجتماعی بود. او معتقد بود که مالیات باید به گونه‌ای طراحی شود که به توزیع عادلانه ثروت در جامعه کمک کند و فشار مالیاتی بر طبقات ضعیف جامعه کاهش یابد (Muhammad, 2023).

سید جمال‌الدین همچنین بر شفافیت و عدالت در جمع‌آوری مالیات تأکید داشت. او معتقد بود که سیستم مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که فساد و سوءاستفاده در آن جایی نداشته باشد و همه افراد جامعه بر اساس توانایی‌های خود مالیات بپردازند (Muhammad, 2023).

این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده توجه سید جمال‌الدین به مسائل اجتماعی و اقتصادی از منظر اسلامی است و تلاش او برای ایجاد یک سیستم مالیاتی عادلانه و کارآمد در جوامع اسلامی را نمایان می‌سازد.

تحلیل تطبیقی

شباهت‌ها و تفاوت‌ها در اصول اقتصادی

مقایسه اصول اقتصادی آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی

مقایسه نظریات مالیاتی آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی

در زمینه نظریات مالیاتی، هر دو متفکر بر اصولی تاکید دارند که به عدالت و کارایی سیستم مالیاتی کمک می‌کند، اما رویکردهای آن‌ها متفاوت است.

آدام اسمیت چهار قاعده اساسی برای سیستم مالیاتی پیشنهاد داد که به عنوان مبنای طراحی سیستم‌های مالیاتی مدرن شناخته می‌شود. این قواعد شامل عدالت، قطعیت، تناسب و اقتصادی بودن مالیات است (Bagnai & Ospina, 2017). او معتقد بود که مالیات‌ها باید به نسبت درآمد و توانایی پرداخت افراد وضع شوند تا عدالت برقرار گردد. همچنین، او بر شفافیت و قطعیت در سیستم مالیاتی تاکید داشت تا از فساد و سوءاستفاده جلوگیری شود.

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز بر عدالت در سیستم مالیاتی تاکید داشت، اما با رویکردی متفاوت. او معتقد بود که مالیات باید به گونه‌ای باشد که به توزیع عادلانه ثروت در جامعه کمک کند و فشار مالیاتی بر طبقات ضعیف کاهش یابد (Muhammad, 2023). او بر نقش دولت در تضمین عدالت مالیاتی و جلوگیری از ظلم و فساد تاکید داشت. سید جمال‌الدین به اهمیت شفافیت و عدالت در جمع‌آوری مالیات و توزیع منابع مالی تاکید می‌کرد.

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم بین نظریات این دو متفکر، نحوه نگاه آن‌ها به تاثیر مالیات بر اقتصاد است. اسمیت معتقد بود که مالیات‌ها نباید به گونه‌ای وضع شوند که فعالیت‌های اقتصادی را مختل کنند و انگیزه‌های اقتصادی افراد را کاهش دهند (Bagnai & Ospina, 2017). در مقابل، سید جمال‌الدین معتقد بود که مالیات‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به بهبود شرایط اقتصادی طبقات پایین و افزایش عدالت اجتماعی منجر شوند، حتی اگر این به معنای دخالت بیشتر دولت در اقتصاد باشد (Muhammad, 2023).

آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی هر دو به عنوان نظریه‌پردازان بزرگ در زمینه اقتصاد و جامعه، اصولی ارائه داده‌اند که در بسیاری از جنبه‌ها با یکدیگر تفاوت‌ها و تشابهاتی دارند.

یکی از شباهت‌های اصلی در اصول اقتصادی این دو متفکر، تاکید بر عدالت است. اسمیت در نظریه خود، عدالت را به عنوان یکی از اصول مهم در طراحی سیستم‌های اقتصادی و مالیاتی مطرح می‌کند. او معتقد بود که مالیات باید بر اساس توانایی پرداخت افراد وضع شود تا عدالت اجتماعی برقرار گردد (Bagnai & Ospina, 2017). سید جمال‌الدین نیز به شدت بر عدالت تاکید داشت و اعتقاد داشت که اسلام دین عدالت است و همه افراد باید از حقوق برابر برخوردار باشند (Muhammad, 2023).

تفاوت اصلی بین این دو نظریه‌پرداز در رویکرد آن‌ها به بازار آزاد و نقش دولت در اقتصاد است. اسمیت بر این باور بود که بازار آزاد و رقابت سالم بین افراد می‌تواند به تخصیص بهینه منابع و بهبود رفاه کلی جامعه منجر شود. او معتقد بود که دست نامرئی بازار قادر است بدون دخالت دولت، تعادل اقتصادی را برقرار کند (Bagnai & Ospina, 2017). در مقابل، سید جمال‌الدین به نقش فعال دولت در تنظیم و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی تاکید داشت. او معتقد بود که دولت باید در جهت تامین عدالت اجتماعی و جلوگیری از ظلم و فساد، در اقتصاد دخالت کند (Muhammad, 2023).

همچنین، اسمیت بر تخصص‌گرایی و تقسیم کار به عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش بهره‌وری تاکید می‌کرد. او معتقد بود که تقسیم کار می‌تواند به افزایش کارایی و تولید بیشتر منجر شود (Bagnai & Ospina, 2017). در حالی که سید جمال‌الدین بیشتر به اهمیت آموزش و پرورش و توسعه علمی برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی تاکید داشت (Muhammad, 2023).

شباهت‌ها و تفاوت‌ها در نظریات مالیاتی

در افزایش درآمدهای مالیاتی دولت ایفا کرده است (Chyrak, 2022).

تطابق قوانین مالیاتی ایران با نظریات آدام اسمیت

بررسی تطابق قوانین مالیاتی ایران با نظریات آدام اسمیت نشان می‌دهد که برخی از اصول مهم اسمیت در سیستم مالیاتی ایران به کار گرفته شده است. برای مثال، اصل عدالت اسمیت که بر پرداخت مالیات بر اساس توانایی پرداخت تاکید دارد، در قوانین مالیاتی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. مالیات‌های مستقیم بر اساس درآمد و دارایی افراد وضع می‌شود که با اصل عدالت اسمیت همخوانی دارد (Bagnai & Ospina, 2017).

همچنین، اصل قطعیت اسمیت که به شفافیت و وضوح قوانین مالیاتی اشاره دارد، در سیستم مالیاتی ایران نیز رعایت شده است. در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای شفاف‌سازی قوانین مالیاتی و کاهش ابهام در نحوه محاسبه و پرداخت مالیات صورت گرفته است (Gluckman & Turner, 2018).

با این حال، برخی از اصول اسمیت همچنان به طور کامل در سیستم مالیاتی ایران پیاده‌سازی نشده است. برای مثال، اصل فعالیت‌های اقتصادی بودن مالیات که به کاهش تأثیر منفی مالیات‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی تاکید دارد، در برخی موارد نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال، مالیات بر ارزش افزوده در برخی صنایع و کسب‌وکارها موجب افزایش هزینه‌های تولید و کاهش رقابت‌پذیری شده است (Iollari & Kripa, 2016).

تطابق قوانین مالیاتی ایران با نظریات سید جمال‌الدین اسدآبادی

نظریات سید جمال‌الدین اسدآبادی درباره مالیات، به شدت تحت تأثیر اصول عدالت اجتماعی و اقتصادی اسلام بوده است. بررسی تطابق قوانین مالیاتی ایران با این نظریات نشان می‌دهد که بسیاری از اصلاحات مالیاتی پس از انقلاب اسلامی، با هدف تحقق عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها انجام شده است (Muhammad, 2023).

به طور کلی، هر دو نظریه‌پرداز بر اهمیت عدالت در سیستم‌های مالیاتی تاکید دارند، اما رویکردهای متفاوتی برای دستیابی به این هدف ارائه می‌دهند. اسمیت بر مکانیزم‌های بازار و کاهش دخالت دولت تاکید دارد، در حالی که سید جمال‌الدین بر نقش فعال دولت در تامین عدالت اجتماعی و اقتصادی تاکید می‌کند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر زمینه‌های تاریخی و فرهنگی متفاوت بر دیدگاه‌های اقتصادی این دو متفکر است.

بررسی قوانین مالیاتی ایران

تاریخچه و تکامل قوانین مالیاتی در ایران

قوانین مالیاتی در ایران تاریخچه‌ای طولانی دارد که به دوران باستان برمی‌گردد. در دوران هخامنشیان و ساسانیان، سیستم‌های مالیاتی منسجمی وجود داشت که عمدتاً مبتنی بر زمین و تولیدات کشاورزی بود. پس از ورود اسلام به ایران، نظام مالیاتی به تدریج تغییر کرد و به سیستم خراج و زکات متمرکز شد (Auerbach & Poterba, 1987).

در دوران قاجار، با ضعف دولت مرکزی و دخالت‌های خارجی، سیستم مالیاتی ایران دچار مشکلات جدی شد. در این دوران، مالیات‌ها بیشتر به صورت ناعادلانه و با فشار بر کشاورزان و طبقات پایین جامعه جمع‌آوری می‌شد. اما در دوران پهلوی، اصلاحات مالیاتی گسترده‌ای صورت گرفت. با تصویب قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۴۵، سیستم مالیاتی مدرنی در ایران پایه‌گذاری شد که بر اساس درآمد و دارایی افراد تنظیم می‌شد (Bagnai & Ospina, 2017).

پس از انقلاب اسلامی، قوانین مالیاتی بارها دستخوش تغییرات شده‌اند. هدف اصلی این تغییرات، عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت بوده است. در سال‌های اخیر، اصلاحات مالیاتی متعددی با هدف بهبود کارایی سیستم مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی انجام شده است. یکی از مهمترین این اصلاحات، تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۳۸۷ بوده است که نقش مهمی

اساس یک ساختار پیشرونده است که درآمدهای بالاتر را با نرخ‌های بالاتری مالیات می‌بندد. این رویکرد به طور مستقیم با نظریه آدام اسمیت در خصوص عدالت مالیاتی و پرداخت مالیات بر اساس توانایی پرداخت همخوانی دارد (Bagnai & Ospina, 2017).

در سوئد، یکی از کشورهای پیشرو در زمینه سیاست‌های اجتماعی، سیستم مالیاتی شامل مالیات‌های بالایی بر درآمدهای شخصی و شرکتی است. این مالیات‌ها برای تامین مالی خدمات عمومی گسترده و سیستم رفاهی قدرتمند استفاده می‌شود. سوئد به طور فعال از اصل شفافیت و قطعیت در سیستم مالیاتی خود پیروی می‌کند، به طوری که نرخ‌ها و روش‌های محاسبه مالیات به وضوح مشخص شده‌اند و شهروندان اطلاعات کاملی در مورد تعهدات مالیاتی خود دارند (Gluckman & Turner, 2018).

ژاپن نیز دارای یک سیستم مالیاتی پیچیده است که شامل مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده، و مالیات‌های محلی است. در ژاپن، تاکید زیادی بر عدالت و شفافیت وجود دارد و اصلاحات مداومی برای بهبود کارایی و کاهش فساد در سیستم مالیاتی انجام می‌شود (Prasongsukarn & Patterson, 2012).

بررسی قوانین مالیاتی کشورهای در حال توسعه

در کشورهای در حال توسعه، سیستم‌های مالیاتی اغلب با چالش‌های بیشتری مواجه هستند. این کشورها معمولاً با مسائل مربوط به فرار مالیاتی، عدم شفافیت و ناکارآمدی در جمع‌آوری مالیات مواجه‌اند. به عنوان مثال، در هند، سیستم مالیاتی شامل مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم است، اما به دلیل پیچیدگی و بوروکراسی زیاد، بسیاری از افراد و شرکت‌ها از پرداخت مالیات فرار می‌کنند (Iollari & Kripa, 2016).

در برزیل، سیستم مالیاتی یکی از پیچیده‌ترین سیستم‌ها در جهان است که شامل مالیات‌های متعدد بر درآمد، فروش، و خدمات است. این پیچیدگی منجر به افزایش هزینه‌های اداری و مشکلات

برای مثال، در سیستم مالیاتی ایران، مالیات بر درآمد و دارایی به گونه‌ای تنظیم شده است که افراد با درآمد و دارایی بیشتر، مالیات بیشتری پرداخت کنند. این رویکرد با اصل عدالت سید جمال‌الدین که بر توزیع عادلانه ثروت تاکید دارد، همخوانی دارد (Johan, 2019).

همچنین، سید جمال‌الدین بر شفافیت و عدالت در جمع‌آوری مالیات تاکید داشت. در سال‌های اخیر، دولت ایران نیز تلاش‌های زیادی برای افزایش شفافیت در سیستم مالیاتی و کاهش فساد انجام داده است. اصلاحات مربوط به نظام الکترونیکی مالیاتی و ایجاد سامانه‌های آنلاین برای ثبت و پرداخت مالیات، نمونه‌ای از این تلاش‌هاست (Kussainova et al., 2022).

با این حال، هنوز چالش‌هایی در تطابق کامل قوانین مالیاتی ایران با نظریات سید جمال‌الدین وجود دارد. برای مثال، برخی از انواع مالیات‌ها همچنان فشار زیادی بر طبقات ضعیف جامعه وارد می‌کند که با اصول عدالت سید جمال‌الدین مغایرت دارد. همچنین، اجرای کامل و صحیح قوانین مالیاتی به دلیل مشکلات ساختاری و اجرایی همچنان با موانعی مواجه است (Maryano, 2023). به طور کلی، بررسی تطابق قوانین مالیاتی ایران با نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه در طراحی و اصلاح سیستم مالیاتی ایران تاثیرگذار بوده‌اند. در حالی که اصول عدالت، شفافیت و تناسب مالیاتی اسمیت در بسیاری از جنبه‌ها رعایت شده است، تاکید بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت سید جمال‌الدین نیز در اصلاحات مالیاتی پس از انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا کرده است.

مطالعه موردی کشورهای منتخب

بررسی قوانین مالیاتی کشورهای پیشرفته

در کشورهای پیشرفته، سیستم‌های مالیاتی معمولاً پیچیده و جامع هستند و هدف آن‌ها تامین مالی دولت و توزیع عادلانه‌تر ثروت است. به عنوان مثال، در ایالات متحده آمریکا، سیستم مالیاتی بر

جریان است (Irollari & Kripa, 2016; Kussainova et al., 2022).

از سوی دیگر، نظریات سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز در برخی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به کار گرفته شده است، به ویژه در زمینه تاکید بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت. برای مثال، سیستم‌های رفاهی گسترده در کشورهای اسکاندیناوی با اصول عدالت اجتماعی سید جمال‌الدین همخوانی دارند. این کشورها با استفاده از سیستم‌های مالیاتی پیشرفته، توانسته‌اند سطح بالایی از رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی را تامین کنند (Muhammad, 2023).

در کشورهای در حال توسعه، اگرچه چالش‌های بسیاری وجود دارد، اما تلاش‌های اخیر برای اصلاح سیستم‌های مالیاتی و کاهش نابرابری‌ها نشان‌دهنده تاثیرپذیری از اصول سید جمال‌الدین است. برای مثال، اصلاحات مالیاتی در هند و برزیل با هدف کاهش فشار مالیاتی بر طبقات پایین و بهبود عدالت اجتماعی انجام شده است (Rosalie et al., 2013).

به طور کلی، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظریه آدم اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی در طراحی و اصلاح سیستم‌های مالیاتی تاثیرگذار بوده‌اند، اما شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور نقش مهمی در نحوه پیاده‌سازی این نظریات ایفا کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل نهایی از تطبیق نظریات با قوانین مالیاتی ایران

تحلیل نهایی تطبیق نظریات آدم اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی با قوانین مالیاتی ایران نشان می‌دهد که هر دو نظریه در طراحی و اجرای سیستم مالیاتی ایران تاثیرگذار بوده‌اند. اصول آدم اسمیت، مانند عدالت، قطعیت، تناسب و اقتصادی بودن مالیات، در بسیاری از جنبه‌های سیستم مالیاتی ایران پیاده‌سازی شده است. برای مثال، مالیات‌های مستقیم در ایران بر اساس درآمد و دارایی

در اجرای عدالت مالیاتی شده است. با این حال، دولت برزیل تلاش‌های زیادی برای اصلاح سیستم مالیاتی و بهبود شفافیت و کارایی آن انجام داده است (Rosalie et al., 2013).

قزاقستان نیز با چالش‌های مشابهی مواجه است. اگرچه قوانین مالیاتی این کشور به مرور زمان اصلاح شده و شفافیت بیشتری پیدا کرده است، اما هنوز هم مشکلاتی نظیر فرار مالیاتی و فساد وجود دارد. تلاش‌های اخیر برای دیجیتال‌سازی سیستم مالیاتی و کاهش بوروکراسی نشانه‌هایی از پیشرفت در این زمینه هستند (Kussainova et al., 2022).

تحلیل تطبیقی با نظریات آدم اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی

بررسی تطبیقی قوانین مالیاتی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه با نظریات آدم اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی نشان می‌دهد که هر دو نظریه در بسیاری از جنبه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما با چالش‌ها و رویکردهای متفاوتی روبرو شده‌اند.

در کشورهای پیشرفته، اصول اسمیت به خوبی در سیستم‌های مالیاتی پیاده‌سازی شده است. عدالت، قطعیت، و شفافیت از ویژگی‌های بارز سیستم‌های مالیاتی در این کشورهاست. به عنوان مثال، سیستم‌های مالیاتی پیشرونده در آمریکا و سوئد که بر اساس درآمد و توانایی پرداخت مالیات وضع شده‌اند، نشان‌دهنده تطابق با اصل عدالت اسمیت است (Bagnai & Ospina, 2017).

همچنین، شفافیت و قطعیت در قوانین مالیاتی این کشورها نیز با نظریات اسمیت همخوانی دارد (Gluckman & Turner, 2018).

در مقابل، در کشورهای در حال توسعه، تلاش‌ها برای پیاده‌سازی این اصول با چالش‌های بیشتری مواجه شده است. پیچیدگی و عدم شفافیت سیستم‌های مالیاتی، فرار مالیاتی، و فساد از مشکلات اصلی در این کشورهاست. با این حال، تلاش‌هایی برای بهبود این وضعیت و تطابق بیشتر با اصول اسمیت و سید جمال‌الدین در

پیچیدگی و بوروکراسی: یکی از ضعف‌های اصلی سیستم مالیاتی ایران، پیچیدگی و بوروکراسی زیاد است که می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های اداری و کاهش کارایی سیستم شود (Iollari & Kripa, 2016).

فرار مالیاتی: فرار مالیاتی یکی از مشکلات جدی در سیستم مالیاتی ایران است. این مسئله نشان‌دهنده ضعف در اجرای کامل و صحیح قوانین مالیاتی و نظارت بر آنهاست (Kussainova et al., 2022).

فشار بر طبقات پایین: در برخی موارد، مالیات‌ها به گونه‌ای وضع شده‌اند که فشار زیادی بر طبقات ضعیف جامعه وارد می‌کنند. این امر با اصول عدالت اجتماعی سید جمال‌الدین مغایرت دارد و نیاز به اصلاحات دارد (Maryano, 2023).

پیشنهادات برای بهبود قوانین مالیاتی بر اساس نظریات آدام اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی

ساده‌سازی قوانین مالیاتی: برای افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های اداری، قوانین مالیاتی باید ساده‌سازی شوند. این امر می‌تواند به کاهش پیچیدگی و بوروکراسی کمک کند و از فرار مالیاتی جلوگیری کند (Bagnai & Ospina, 2017).

تقویت نظارت و اجرای قوانین: برای کاهش فرار مالیاتی، باید نظارت و اجرای قوانین مالیاتی تقویت شود. استفاده از فناوری‌های نوین و ایجاد سامانه‌های آنلاین می‌تواند در این زمینه موثر باشد (Kussainova et al., 2022).

تعدیل مالیات‌ها بر اساس توانایی پرداخت: برای کاهش فشار مالیاتی بر طبقات ضعیف جامعه، باید مالیات‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند که توانایی پرداخت افراد در نظر گرفته شود. این امر با اصول عدالت آدام اسمیت و سید جمال‌الدین همخوانی دارد.

افزایش شفافیت: شفافیت در سیستم مالیاتی باید افزایش یابد تا از فساد و سوءاستفاده جلوگیری شود. این امر می‌تواند به اعتماد

افراد وضع می‌شود که نشان‌دهنده توجه به اصل عدالت اسمیت است (Bagnai & Ospina, 2017). همچنین، اصلاحات اخیر در جهت افزایش شفافیت و کاهش ابهام در قوانین مالیاتی، با اصل قطعیت اسمیت همخوانی دارد (Gluckman & Turner, 2018).

از سوی دیگر، تاکید سید جمال‌الدین اسدآبادی بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت نیز در قوانین مالیاتی ایران منعکس شده است. اصلاحات مالیاتی پس از انقلاب اسلامی با هدف کاهش نابرابری‌ها و حمایت از طبقات ضعیف جامعه انجام شده است (Muhammad, 2023). برای مثال، مالیات بر درآمدهای بالا و دارایی‌های بزرگ، نشان‌دهنده تلاش برای توزیع عادلانه‌تر ثروت در جامعه است (Johan, 2019).

نقاط قوت و ضعف قوانین مالیاتی ایران با توجه به نظریات مورد بررسی

نقاط قوت

تطبیق با اصل عدالت: سیستم مالیاتی ایران با توجه به اصول آدام اسمیت و سید جمال‌الدین، به عدالت توجه ویژه‌ای دارد. مالیات‌ها بر اساس درآمد و دارایی افراد وضع می‌شود که نشان‌دهنده رعایت اصل عدالت است.

شفافیت و قطعیت: اصلاحات اخیر در سیستم مالیاتی ایران به افزایش شفافیت و کاهش ابهام در قوانین مالیاتی کمک کرده است. این امر با اصل قطعیت اسمیت همخوانی دارد و می‌تواند به کاهش فساد و سوءاستفاده کمک کند (Gluckman & Turner, 2018).

توزیع عادلانه ثروت: قوانین مالیاتی ایران با هدف کاهش نابرابری‌ها و حمایت از طبقات ضعیف جامعه طراحی شده‌اند. این امر با تاکید سید جمال‌الدین بر عدالت اجتماعی همخوانی دارد (Muhammad, 2023).

نقاط ضعف

برای رسیدن به یک سیستم مالیاتی عادلانه و کارآمد، نیاز به اصلاحات بیشتری وجود دارد. توجه به اصول عدالت، شفافیت، و تناسب مالیاتی می‌تواند به بهبود سیستم مالیاتی ایران و افزایش کارایی و عدالت اجتماعی کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This article endeavors to provide a comprehensive comparative analysis of Iran's tax laws through the theoretical lenses of Adam Smith and Seyyed Jamaluddin Asadabadi. Adam Smith, often regarded as the father of modern economics, formulated foundational principles that have profoundly influenced contemporary economic thought and policy-making. These principles include justice, certainty, proportionality, and economic efficiency in taxation. On the other hand, Seyyed Jamaluddin Asadabadi, a prominent Islamic scholar and social reformer of the 19th century, emphasized social justice and equitable wealth distribution within an Islamic framework. His ideas have significantly shaped socio-economic policies in many Islamic countries (Bagnai & Ospina, 2017; Chyrak, 2022). This article aims to explore how these two distinct yet influential theories align with and diverge from the current tax laws in Iran, shedding light on the strengths and weaknesses of the existing system and offering recommendations for improvement.

The history of tax laws in Iran reveals a complex evolution influenced by various political, social, and economic factors. From ancient systems under the Achaemenid and

بیشتر مردم به سیستم مالیاتی و افزایش همکاری آن‌ها در پرداخت مالیات کمک کند (Gluckman & Turner, 2018).

استفاده از تجربیات بین‌المللی: ایران می‌تواند از تجربیات کشورهای پیشرفته در زمینه اصلاحات مالیاتی استفاده کند. برای مثال، استفاده از سیستم‌های پیشرونده و توجه به شفافیت و عدالت در قوانین مالیاتی می‌تواند به بهبود سیستم مالیاتی کمک کند (Rosalie et al., 2013).

در مجموع، تطبیق نظریات آدم اسمیت و سید جمال‌الدین اسدآبادی با قوانین مالیاتی ایران نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه در طراحی و اجرای سیستم مالیاتی تاثیرگذار بوده‌اند. با این حال،

Sassanian empires to Islamic taxation principles post the Arab conquest, and through the modernization efforts during the Pahlavi era, Iran's tax system has undergone significant transformations (Auerbach & Poterba, 1987). The contemporary tax system in Iran, particularly after the 1979 Islamic Revolution, has seen numerous reforms aimed at promoting social justice and reducing economic inequalities (Bagnai & Ospina, 2017). Despite these efforts, the Iranian tax system is often criticized for its complexity, inefficiency, and the significant burden it places on lower-income groups (Chyrak, 2022). This historical context sets the stage for analyzing how well Iran's tax policies align with the principles advocated by Smith and Asadabadi.

Adam Smith's principles of taxation, particularly those outlined in "The Wealth of Nations," have been pivotal in shaping modern tax systems. Smith argued that taxes should be proportional to the taxpayer's ability to pay, clear and certain to avoid any ambiguity, convenient to pay, and economically efficient to minimize market distortions. In the context of Iran, these principles are partially reflected in the progressive nature of income tax, where higher income brackets are subject to higher tax rates, aiming to achieve a degree of proportionality and justice (Gluckman &

Turner, 2018). Additionally, recent efforts to enhance transparency and reduce ambiguity in tax laws resonate with Smith's principle of certainty. However, the Iranian tax system's complexity and administrative burden often undermine economic efficiency, highlighting a key area where Smith's ideals are not fully realized (Iollari & Kripa, 2016).

Seyyed Jamaluddin Asadabadi, with his profound emphasis on social justice rooted in Islamic teachings, presents a different yet complementary perspective on taxation. Asadabadi argued that a just tax system should ensure the equitable distribution of wealth and support the socio-economic well-being of the less fortunate. His ideas align closely with Islamic economic principles that advocate for Zakat (charitable giving) and Khums (a form of tax in Shia Islam), which aim to redistribute wealth and reduce poverty. In Iran, the post-revolutionary tax reforms have incorporated several of Asadabadi's principles, with a focus on redistributive policies and social welfare programs funded through tax revenues (Johan, 2019; Kussainova et al., 2022; Syakur, 2022). However, despite these efforts, the actual implementation often falls short due to issues such as tax evasion, corruption, and inefficient administration (Kussainova et al., 2022; Syakur, 2022).

A comparative analysis of tax laws in other advanced and developing countries further illustrates the challenges and opportunities for Iran. In advanced economies like the United States, Sweden, and Japan, tax systems are generally characterized by high transparency, efficient administration, and a progressive structure that aligns well with Smith's principles (Prasongsukarn & Patterson, 2012). These countries have successfully implemented mechanisms to ensure tax compliance and minimize evasion, thereby promoting fairness and economic efficiency. Conversely, developing countries such as

India, Brazil, and Kazakhstan face similar challenges to Iran, including high levels of tax evasion, administrative inefficiencies, and a significant informal economy (Rosalie et al., 2013). These comparisons underscore the importance of adopting best practices from advanced economies while addressing the unique socio-economic context of developing nations.

In conclusion, this article highlights the partial alignment of Iran's tax laws with the theoretical frameworks of Adam Smith and Seyyed Jamaluddin Asadabadi. While principles of justice and transparency have been integrated into the system, significant gaps remain in terms of economic efficiency and administrative simplicity. The study suggests that Iran's tax system could benefit from further reforms aimed at simplifying tax laws, enhancing enforcement mechanisms, and reducing the burden on lower-income groups. Specifically, adopting Smith's principles of economic efficiency and administrative convenience, combined with Asadabadi's emphasis on social justice, could lead to a more equitable and effective tax system. Implementing these recommendations would require a concerted effort from policymakers, tax authorities, and the broader society to address structural challenges and build a more robust and fair tax system (Maryano, 2023).

References

- Auerbach, A. J., & Poterba, J. M. (1987). Why Have Corporate Tax Revenues Declined? <https://doi.org/10.3386/w2118>
- Bagnai, A., & Ospina, C. A. M. (2017). Neoclassical Versus Kaldorian Explanations of Southern Europe's Productivity Slowdown. *Acta Oeconomica*, 67(s1), 113-135. <https://doi.org/10.1556/032.2017.67.s.9>
- Chyrak, I. (2022). David Ricardo – Recognized Leader in Classical Political Economy (To the 250th Anniversary of His Birth). *Herald of Economics*(1), 171-190. <https://doi.org/10.35774/visnyk2022.01.171>

- Gluckman, A., & Turner, M. (2018). The Perceived Fairness of Turnover Tax. *Journal of Economic and Financial Sciences*, 11(1).
<https://doi.org/10.4102/jef.v11i1.174>
- Iollari, O., & Kripa, E. (2016). Progressive Tax vs Flat Tax and Its Effects on the Foreign Direct Investments in Albania. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*.
<https://doi.org/10.5901/ajis.2016.v5n3p79>
- Johan, S. (2019). Juridical Review Fulfillment of Justice Principles in Elimination of Tax Sanctions in Law Number 11 of 2016. *Riau Law Journal*, 3(2), 223.
<https://doi.org/10.30652/rlj.v3i2.6687>
- Kussainova, A. K., Sabitova, A. A., Sabitova, S., Saparaliyeva, S. M., & Begaliyev, Y. N. (2022). Formation and Development of Taxation and Legislation on Administrative Responsibility for Tax Offences in the Republic of Kazakhstan. *Journal of Financial Crime*, 30(2), 453-463.
<https://doi.org/10.1108/jfc-12-2021-0268>
- Maryano, M. (2023). Legal Culture Obligation to Submit Tax Data and Information From Agencies, Institutions, Associations, and Other Parties. *Jurnal Cita Hukum*, 11(3), 457-480.
<https://doi.org/10.15408/jch.v11i3.37474>
- Muhammad, I. (2023). Islamic Perspectives on Environmental Tax. *I-ECONS*, 123-129.
<https://doi.org/10.33102/iecons.v10i1.130>
- Prasongsukarn, K., & Patterson, P. G. (2012). An Extended Service Recovery Model: The Moderating Impact of Temporal Sequence of Events. *Journal of Services Marketing*, 26(7), 510-520.
<https://doi.org/10.1108/08876041211266477>
- Rosalie, E., Tinangon, J. J., & Pusung, R. J. (2013). Analisis Perbandingan Sebelum Dan Sesudah Pengenaan Tarif Pajak Progresif Pada Kendaraan Bermotor Berdasarkan "The Four Maxims" Di Kota Manado. *Going Concern Jurnal Riset Akuntansi*, 8(4).
<https://doi.org/10.32400/gc.8.4.25130.2013>
- Syakur, A. (2022). Pajak Tanah Sebagai Instrumen Pendapatan Keuangan Publik Dalam Ekonomi Islam. *Realita Jurnal Penelitian Dan Kebudayaan Islam*, 13(1), 18-33.
<https://doi.org/10.30762/realita.v13i1.30>